

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آتش مشرق قبل ظهور

آتش مشرق قبل ظهور: اعجاز الهی یا انفجار هسته‌ای؟ / مرحله سیوف: تقابل نظامی و «انتقام سخت» ایران از مثلث «عربی، عبری، عربی»



سناریوی آخرالزمانی «عمود آتش مشرق»: پدیده فلکی (اعجاز الهی) یا حادثه صنع بشری (انفجار هسته‌ای)؟

و از جمله حوادثی که احتمالاً به رخدادهای ایران مرتبط باشد، «آتش مشرق» قبل ظهور است که البته درباره آن حداقل سه دیدگاه مهم، مطرح است. توضیح اینکه: در احادیث فریقین شیعه و اهل سنت و در زمره سلسله حوادث قبل از ظهور از «عمود آتش مشرق» سخن به میان آمده است. ضرورت واکاوی «آتش مشرق» قبل ظهور بدان جهت اهمیت مضاعف دارد که خود نشانه‌ای است بر آغاز قحطی و گرسنگی در جهان (سنة الجوع) و باید ذخایر استراتژیک غذایی و تدابیر اقتصادی از طرف حکومت‌ها انجام شود که البته ناشی از وقوع جنگ جهانی (هرج الروم) قبل از «سنة الجوع» است که در اثر آن، مرگ سفید (طاعون) و مرگ سرخ (جنگ و خونریزی) در گستره جهانی رخ خواهد داد.

مساله اصلی پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل «آتش مشرق» قبل از ظهور با نگاه آینده‌پژوهانه مهدوی است. پرسش اساسی این است: عمود آتش مشرق، آیا اشاره به پدیده فلکی و نجومی دارد یا حادثه صنع بشری (حمله نظامی) یا انفجار هسته‌ای؟

دیدگاه اول: پدیده فلکی است و ادعا می‌کنند مرتبط با موضوع «ستاره دنباله‌دار» (النجم ذو الذنب) است.

دیدگاه دوم: هویت جنگی؛ مطابق این دیدگاه، گزاره «آتش مشرق» در میراث آینده‌پژوهی مهدوی، آیا تقابل نظامی با دشمن خواهد بود یا در واقع تلمیحی است به نقشه تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی؟ سه احتمال مهم مطرح است: ۱. وقوع آتش در عربستان؛ ۲. حمله به ایران؛ ۳. حمله ایران به دشمن.

در این نوشتار با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر، کوشش خواهد شد اقوال مختلف، نقد و بررسی گردد.

نسخه‌شناسی گزاره «آتش مشرق» قبل ظهور

منابع شیعی

گزاره آتش مشرق در الغیبة نعمانی نقل شده است؛ در دیگر کتب حدیثی شیعه^۱ از جمله کتاب نوادر الأخبار^۲ فیض کاشانی، کتاب إثبات الهداة^۳ حر عاملی، نیز تکرار شده است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ شِبْهَ الْهُرْدِيِّ الْعَظِيمِ تَطْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.^۴

از ابوبصیر به نقل از امام باقر: هنگامیکه نشانه آتش عظیم و بزرگ در آسمان از سمت مشرق دیدید که بین ۳ تا ۷ روز ادامه داشت، فرج آل محمد و ظهور امام مهدی را توقع داشته باشید.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ... قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَطْلُعُ لَيَالِي فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَ هِيَ قَدَامَ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ.^۵

از ابوبصیر به نقل از امام صادق: هنگامیکه نشانه آتش عظیم و بزرگ در آسمان از سمت مشرق دیدید که برای چند شبانه‌روز ادامه داشت، در آن هنگام، فرج مردم و نزدیکی‌های ظهور قائم است.

البته گزاره آتش مشرق از منفردات نعمانی نیست بلکه محتوای آن با سند دیگر نیز در کتاب الإرشاد شیخ مفید، کتاب إعلام الوری طبرسی، کتاب سرور أهل الإیمان نیلی‌نجفی و کتاب إثبات الهداة حر عاملی نیز تکرار شده است:

الْعَلَاءُ بْنُ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنَ الْمَشْرِقِ كَهَيْئَةِ الْمُرْدِيِّ الْعَظِيمِ تَطْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً -الشُّكُّ مِنَ الْعَلَاءِ (فی نسخة اخرى: الشُّكُّ مِنَ الرَّوِيِّ)- فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ.^۶

۱. کورانی، معجم أحادیث الإمام المهدي، ج ۴، ص ۳۸۲-۳۹۰. کورانی، معجم أحادیث الإمام المهدي، ج ۵، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۲. فیض کاشانی، نوادر الأخبار، ص ۲۵۹.

۳. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۶.

۴. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰.

۵. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

۶. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۲.

۷. طبرسی، إعلام الوری ط قدیم، ص ۴۵۸. طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۴. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۲.

عن الحسن بن محبوب عن [العلاء بن رزين] عن محمد [بن مسلم] عن أحدهما قال: إذا رأيتم نارا كهيئة الهودة العظيمة تطلع ثلاثة أيام أو سبعة - بالشك من الراوى - فتوقفوا فرج آل محمد إن الله عزيز حكيم.^١

عن الإرشاد شيخ مفيد: نارٌ تظهرُ بالْمَشْرِقِ طَوِيلًا وَتَبْقَى فِي الْجَوِّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ.^٢

شايان ذکر است، گزارش شيخ مفيد^٣ در ديگر كتب حديثى شيعه همچون: روضة الواعظين^٤ ابن فتال نيشابورى، تاج المواليده^٥ طبرسى، الملاحم و الفتن^٦ ابن طاووس، كشف الغمة^٧ اربلى، صراط المستقيم^٨ عاملى، تاريخ الائمة^٩، نوادر الأخبار و الوافى^{١٠} فيض كاشانى، إثبات الهداة^{١١} حر عاملى، مختصر كفاية المهتدى^{١٢} ميرلوحى، كشف الحق^{١٣} خاتون آبادى، رياض الأبرار^{١٤} جزائرى و بحار الأنوار^{١٥} مجلسى نیز ذكر شده است.

منابع اهل سنت

در كتب اهل سنت همچون فيض القدير مناوى، المعجم الأوسط طبرانى، أمالى الشجرى و ... نیز به فور گزاره آخر الزمانى «آتش مشرق» نقل شده است:

إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا أَحْمَرَ قَبْلَ الْمَشْرِقِ فِي رَمَضَانَ فَادْخِرُوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ فَإِنَّهَا سَنَةٌ جُوعٍ.^{١٦}

١ . نبلى نجفى، سرور أهل الإيمان، ص ٤٧.

٢ . مفيد، الإرشاد، ج ٢، ص ٣٦٩.

٣ . شيخ مفيد هرچند سندى برای آن نقل نمى كند اما تصريح مى كند كه عبارات را از احاديث اخذ کرده است: كَمَا جَاءَتْ بِذَلِكَ الْأَجْبَارُ ... دَكَّرْنَاهَا عَلَى حَسَبِ مَا ثَبَتَ فِي الْأُصُولِ وَ تَضَمَّنَهَا الْأَثَرُ الْمُنْقُولُ (مفيد، الإرشاد، ج ٢، ص ٣٧٠)

٤ . ابن فتال نيشابورى، روضة الواعظين، ج ٢، ص ٢٦٢.

٥ . طبرسى، تاج المواليده، ص ١١٣.

٦ . ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ٣٧٠.

٧ . اربلى، كشف الغمة، ج ٢، ص ٤٥٧.

٨ . عاملى، صراط المستقيم، ج ٢، ص ٢٤٨.

٩ . عدة من العلماء، تاريخ الائمة، ص ١١٣ و ٣٤٧.

١٠ . فيض كاشانى، نوادر الأخبار، ص ٢٥٥. فيض كاشانى، الوافى، ج ٢، ص ٤٥٣.

١١ . حر عاملى، إثبات الهداة، ج ٥، ص ٣٧٠.

١٢ . ميرلوحى سبزوارى، مختصر كفاية المهتدى، ص ٢١٢.

١٣ . خاتون آبادى، كشف الحق، ص ١٤٥.

١٤ . جزائرى، رياض الأبرار في مناقب الائمة، ج ٣، ص ١٧١.

١٥ . مجلسى، بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢٢٠.

١٦ . طبرانى، المعجم الأوسط، ج ١، ص ١١٩.

إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا مِنْ نَارٍ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي السَّمَاءِ فَأَعِدُّوا مِنَ الطَّعَامِ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّهَا سَنَةُ جُوعٍ.^١

سَتَبْدُو آيَةَ عَمُودًا مِنْ نَارٍ يَطَّلِعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ يَرَاهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ فَلْيَعِدَّ لِأَهْلِهِ طَعَامَ سَنَةٍ.^٢

إِذَا رَأَيْتُمْ مِنَ السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَطَّلِعُ لِيَالِي فَعِنْدَهَا إِقْدَامُ الْمَهْدَى.^٣

إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي السَّمَاءِ مِثْلَ النَّارِ فِي رَمَضَانَ فَأَعِدُّوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ فَإِنَّهَا تَكُونُ سَنَةً جُوعٍ.^٤

هنگامیکه عمود آتش از سمت مشرق در ماه رمضان قبل ظهور دیدید که برای همه اهل زمین نیز قابل رویت و مشاهده است، ذخیره غذایی یک سال را تهیه کنید که سال قحطی (سنة جوع) در پیش است.

همچنین در دیگر کتب اهل سنت از جمله: عقد الدرر^٥، الفصول المهمه^٦، فرائد فوائد الفكر^٧ نیز به نقل از پیامبر و امام باقر و امام صادق نقل شده است.^٨ گزاره آتش مشرق با عبارت های گوناگون (آية الحدثان، عمود النار، العمود الأحمر) نقل شده است. و در منابع اهل سنت بیشتر بر وقوع رخداد آتش مشرق در ماه رمضان و رابطه آن با سنة الجوع (سال قحطی و گرسنگی) بیشتر تاکید شده است؛ البته در ادامه به شباهت ها و تفاوت های گزارش شیعی با منابع اهل سنت نیز اشاره خواهد شد.

اشتراکات و افتراقات گزارش آتش مشرق در منابع شیعه و اهل سنت

استشهاد به روایات اهل سنت، فقط زمانی موجه و صحیح است که مضمون آن در روایات اهل بیت نیز وجود داشته باشد. بنابراین، اثبات موضوعی در روایات اهل سنت، بدون توجه به روایات اهل بیت، صحیح نیست. در موضوع این نوشتار نیز با مراجعه به منابع معتبر شیعی، در نگاه اول، احتمال «وحدت محتوایی» و اشتراک مضمونی گزاره آتش مشرق در شیعه با اهل سنت تقویت می شود:

إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَطَّلِعُ لِيَالِي فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَ هِيَ قَدَامَ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ.^٩

١. ابن حماد، الفتن، ص ١٥٣.

٢. مناوی، فیض القدر، ج ١، ص ٣٦١.

٣. ???

٤. الشجرى، الأمالی الخمیسیة، ج ٢، ص ٣٧.

٥. مقدسی شافعی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، ص ١٤٥.

٦. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ٢، ص ١١٢٨.

٧. حنبلی، فرائد فوائد الفكر فی الإمام المهدي المنتظر، ص ٢٦٤.

٨. ر.ک: کورانی، معجم أحادیث الإمام المهدي، ج ١، ص ٥٣٥-٥٣٦.

٩. نعمانی، الغیبة، ص ٢٦٧. مجلسی، بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢٤٠.

لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قَدَامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ يَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَ يُصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ؛ الْجُوعُ فَقَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ.^۲

إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا أَحْمَرًا قَبْلَ الْمَشْرِقِ فِي رَمَضَانَ فَادْخِرُوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ فَإِنَّهَا سَنَةٌ جُوعٍ.^۳

سَبِّدُوا آيَةَ عَمُودًا مِنْ نَارٍ يَطَّلِعُ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ يَرَاهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ فَلْيُعِدَّ لِأَهْلِهِ طَعَامَ سَنَةٍ.^۴

بنابراین، احتمال اینکه «عمود آتش مشرق» در ماه رمضان باشد و بعد از آن نیز سنة الجوع (سال قحطی) در پیش است، تقویت می‌شود. اما واضح است این مقدار اشتراک، الزاما به معنای وحدت محتوایی نیست البته دلیلی هم بر تفاوت وجود ندارد. نهایت امر این است با مقایسه درمی‌یابیم هرچند منابع فریقین اشتراک نظر دارند که آتش مشرق با فرج آل محمد و ظهور مرتبط است اما مصادر شیعی به زمان وقوع آتش مشرق در ماه رمضان تصریح ندارند.

اعتبارسنجی «سندی» آتش مشرق

لازم به ذکر است گزاره «آتش مشرق قبل ظهور» در الغیبة نعمانی و اعلام الوری طبرسی، سه طریق دارد: الف. سند اول (ابی حمزه بطائنی از ابوبصیر از امام باقر) چون در دوران استقامت بوده، حدیث موثق است؛ ب. سند دوم (وهیب بن حفص از ابوبصیر از امام صادق) از نظر سندی، حدیث صحیح و معتبر است؛ ج. سند سوم (العلاء بن رزین از محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق) از نظر سندی، حدیث صحیح و معتبر است.^۶

آتش مشرق: صنع بشری (هویت جنگی)

مقصود از مشرق: ایران یا سایر کشورهای مشرق جغرافیایی؟

در تراث حدیثی، مقصود از «مشرق» به حسب قرائن و نسبت به مکان صدور حدیث، تشخیص داده می‌شود و نمی‌توان در محدوده خاصی منحصر شود؛ مهم‌ترین احتمالات در تعیین «محدوده جغرافیایی مشرق» از این قبیل است:

۱. احتمال اول: چون مخاطب (راوی) و امام معصوم (امام باقر و امام صادق) در حجاز بوده است، مقصود مناطق شرق عربستان است.^۱

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۱. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۳.

۲. عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۶۸. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۱. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۷۰.

۳. طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۱۱۹.

۴. مناوی، فیض القدير، ج ۱، ص ۳۶۱.

۵. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ ابْنِ عَقْدَةَ الْكُوفِيِّ: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۹۴)؛ أَحْمَدُ بْنُ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ الْجُعْفِيِّ: ثقه علی التحقیق (نجاشی، الرجال، ص ۱۲۷. مامقانی، تنقیح المقال ط حدیثه، ج ۸، ص ۲۶۶-۲۶۹. مازندرانی، منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۱، ص ۳۶۸)؛ إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۲۶)؛ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ الْبَطَائِنِيِّ: ثقه در دوران استقامت (طوسی، العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱. مجلسی، روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۹۴ و ۴۷ و ۳۵۴)؛ وَهَيْبُ بْنُ حَفْصٍ: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۴۳۱)؛ أَبِي بَصِيرٍ: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۴۴۱)؛ امام صادق: امام معصوم؛ امام باقر: امام معصوم.

۶. الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَحْبُوبٍ: امامی ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۱۴۰ و ۱۶۰)؛ الْعَلَاءُ بْنُ رَزِينٍ: وجه ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۲۹۸)؛ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ: امامی، ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۲۳-۳۲۴)؛ امام صادق: امام معصوم؛ امام باقر: امام معصوم.

۲. احتمال دوم: بنابر احادیث هم‌خانواده در تراث مهدوی، مراد ایران است^۲ کما اینکه در احادیث دیگر نیز از ایران و قوم سلمان فارسی به ارض مشرق تعبیر شده است.^۳

۳. احتمال سوم: جمیع بلاد مشرق (همه سرزمین‌ها اعم از مناطق دریایی و خشکی در مشرق جغرافیایی)^۴؛ بنابراین همه کشورها در شرق حجاز و جزیره‌العرب می‌تواند مقصود باشد از جمله ایران و عراق که نیز جزو بلاد مشرق نسبت به کشور عربستان می‌باشند.

آتش از مشرق: هویت جنگی

برخی از محققین نیز «عمود آتش در آسمان»، را پدیده فلکی می‌دانند و معتقدند: این قبیل روایات را می‌توان در پیوند با موضوع «ستاره دنباله‌دار» (النجم ذو الذنب) مورد بررسی قرار داد^۵؛ که البته این دیدگاه در جای خود قابل بررسی است و نیازمند نوشتاری مستقل و جداگانه است. البته «نار» به معنای حقیقی آن یعنی وقوع آتش‌سوزی طبیعی هرچند محتمل است لکن به قرائن «درون متنی» همچون واژه الهردی (آتش سرخ و زرد به رنگ زعفران)، زبانه کشیدن شعله‌های آتش در آسمان به گونه‌ای که توجه بیشتر مردم زمین را به خود جلب می‌کند، دستور ذخیره غذایی به مدت یک سال (سنة الجوع)^۶، همگی حاکی از وقوع جنگ دارد. خود سال گرسنگی و قحطی در جهان (سنة الجوع) نشانگر این است که هویت آتش مشرق، آتش جنگی است. زیرا گرسنگی و قحطی در ابعاد جهانی به صرف آتش‌سوزی و حریق و یا گدازه‌های آتشفشانی^۷ در «منطقه‌ای خاص» رخ نخواهد داد بلکه در واقع نار مشرق اشاره به این مهم دارد که امنیت جهانی به خطر افتاده است که اینچنین موجب جوع و قحطی خواهد شد.

۱. به عنوان مثال در برخی احادیث از وقوع آتش در حجاز سخن به میان آمده است: إِذَا مَلَأَ نَجْفَكُمُ السَّيْلُ وَالْمَطَرُ وَظَهَرَتِ النَّارُ بِالْحِجَازِ ... فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ (عاملی، صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۵۹. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۰۷)

۲. به عنوان مثال در توصیف «شیعیان اثنی عشری زمینه‌ساز» که انقلاب‌شان به حکومت جهانی امام عصر متصل خواهد شد، به «قوم مشرق» تعبیر شده است: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُحِطُونَ... حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳)؛ محققین نیز در اینکه مراد از مشرق، ایران می‌باشد، تردیدی به خود راه ندادند (ر.ک: پورسیدآقایی، نقش ایرانیان در عصر ظهور، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۲۵، ص ۲۰. صمدی، بایسته‌های ظهور، فصلنامه مشرق موعود، ش ۵، ص ۱۳۹. الاسدی، عنصر الخفاء فی القضية المهدویة، فصلنامه الموعود طبع نجف اشرف، ش ۴، ص ۱۲۶. ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۸، ص ۳۶۲. فتلاوی، ثورة الموطئین للمهدی، ص ۱۹۴. فتلاوی، مع المهدی المنتظر فی دراسة مقارنة، ص ۴۶. طبسی، چشم‌اندازی به حکومت مهدی، ص ۴۶. سلیمان، يوم الخلاص، ص ۵۵۷. صدر، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۱۵۸ و ۲۸۳. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۴۹۵. جعفر مرتضی عاملی، دراسة فی علامات الظهور، ص ۳۸. نویسندگان، مجموعه آثار پنجمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ج ۱، ص ۲۷۶. آل محسن، أهدی الرایات دراسة فی شخصیة الیمانی، ص ۱۳۳ و ۱۳۵. مرتضی عاملی، مختصر مفید، ج ۳، ص ۱۷۵. قبانچی، موجز دائرة معارف الغیبة، ص ۵۶. سند البحرانی، فقه علائم الظهور، ص ۶۱)، برای آگاهی بیشتر: ایران قبل از ظهور مواجهه نظامی بعد از دو مرحله مطالبه حق (لینک)

۳. به عنوان مثال در توصیف لشکر ایرانیان زمینه‌ساز -هنگامیکه از قصد روبرویی نظامی با لشکر سفیانی همپیمان با غربی‌ها در عراق سخن به میان می‌آید- تصریح شده است که لشکر سید خراسانی از مشرق به کوفه وارد می‌شوند: یَخْرُجُ عَلَيْهِمُ الْخُرَّاسَانِيُّ وَ السُّفْيَانِيُّ هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَ هَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۵)؛ و نیز مثال دیگر: نَأْخُذُهُ مِنْكَ بِدَةِ دَوَاذِهِ (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۹۷)؛ بده دوازده لفظ فارسی و معناه العشرة باثنی عشر يستعمله التجار بالمشرق (ابن حیون، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۹)

۴. به عنوان مثال در توصیف صیحه آسمانی ذکر شده است که همه اهل زمین در شرق و غرب عالم، این ندای آسمانی را می‌شنوند: يَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۴)

۵. فلاح، بررسی مقارن پدیده‌های کیهانی در پیش و پس از عصر ظهور، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۷، ص ۱۹۵-۱۹۸.

۶. نشانگر این است جهان با بحران سیاسی امنیتی نظامی در ابعاد گسترده مواجه است که دستور ذخیره غذایی برای مدت طولانی صادر شده است.

۷. آتش مشرق حاصل فعل و انفعالات آتشفشانی نیست زیرا فوران گدازه‌های آتشفشان بر روی زمین جاری می‌شود در حالیکه حدیث به صراحت بیان می‌کند عمود آتش چند روز در آسمان دیده می‌شود.

قرائن «برون متنی» یعنی به قرینه سایر احادیث که از وقوع جنگ های خانمان سوز قبل ظهور گزارش شده نیز موید است. ضمن اینکه سخن از «فرج الناس و فرج آل محمد»، مناسبتی با آتش سوزی چندروزه ندارد بلکه آتش سوزی طبیعی، قرن ها است که به وقوع می پیوندد. و در واقع سخن از «فرج الناس» بیانگر این است این آتش، نه تنها متوجه دشمنان امام عصر است بلکه متوجه «دشمنان بشریت» خواهد بود که بعد از آن به سبب شکست «ظالم جهانی»، چنین گشایشی ایجاد خواهد شد و این نیز خود قرینه دیگری است که مقصود آتش سوزی طبیعی نیست. از اینرو تعبیر «آتش مشرق قبل ظهور» اشعار به درگیری نظامی و جنگ دارد؛ و احتمال آتش سوزی طبیعی، احتمال ضعیف و بلکه منتفی است.

آتش در مشرق یا آتش از مشرق؟

سوال و ابهام اساسی دیگر این است که، آتش در مشرق است یا از سمت مشرق روانه می شود؟ (نار فی المشرق او نار من المشرق) کدام مقصود است؟ یعنی آتشی که از ناحیه دشمن بر منطقه مشرق فرود می آید و ۳-۷ روز طول می کشد یا آتشی که از سمت مشرق به دشمنان فرود خواهد آمد؟ شواهد تقویت فرض دوم یعنی آتشی که از سمت مشرق به دشمنان وارد می شود:

إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ ... إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ ... ۲

از طرفی با جستجو در میراث حدیثی شیعه، به موارد مشابه ای نیز دست می یابیم که این دیدگاه را تقویت می کند از جمله، در تراث مهدوی، عبارت «من قبل المشرق» در احادیث دیگر نیز تکرار شده است و کاملاً واضح است که از «سمت، ناحیه و جهت مشرق» مراد است:

الْمَهْدِيُّ ... يَكُونُ مُبْدِئُهُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ. ۳

مبداء و زمینه سازی حکومت امام مهدی از سمت مشرق است.

اما ممکن است بیان شود: «نار من المشرق» احتمال دارد حمله دشمن به ایران و مقاومت شیعی نیز باشد زیرا در اینصورت نیز مردم آتشی را از مشرق (ایران) می بینند. لکن ترجیح معنای عرفی «نار من قبل المشرق»، یعنی آتش از سمت مشرق به سوی دشمن است. در لسان احادیث نیز اینگونه تعبیر وجود دارد. به عنوان مثال، عبارت حدیثی «رایات من قبل خراسان»^۴ آیا مقصود حرکت به سمت مکان دیگری (عراق) می باشد.

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۴. بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۵۲۸.

۴. نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۰.



آیا آمریکا، عراق را به میدان جنگ تبدیل خواهد کرد؟

قرائن درون متنی دال بر فرض دوم است. و در صورت اندک آشنایی با لسان احادیث اهل بیت، عبارت «من قبل المشرق»، ترجیحاً مقصود صدور آتش از ناحیه مشرق (ایران) به سوی دشمن است و نه وقوع آتش در سرزمین مشرق. لغت نیز بر همین معنا استوار است.^۱ بنابراین درباره گزاره نار (آتش) مشرق اگر کنایه از جنگ است، دو احتمال مطرح است: صدور جنگ از سمت مشرق یا وقوع جنگ در مشرق؟ و نیز با توجه به حرف «مِنْ»، عبارت بدین گونه خواهد بود: جنگ از سمت مشرق^۲ یا جنگ در منطقه مشرق^۳. البته هرچند فرض دوم ترجیح دارد لکن هر دو دیدگاه قابل جمع است و فرقی ندارد. زیرا در هر صورت آتش و جنگ در ناحیه مشرق برای مردم و اهل زمین قابل رویت خواهد بود.

دیدگاه‌های مختلف درباره آتش جنگ مشرق قبل ظهور

اما صرف‌نظر از آنچه بیان گردید، با فرض اینکه هویت آتش مشرق قبل ظهور، هویت جنگی است، چهار دیدگاه مهم مطرح است:

دیدگاه اول: آتش شرق حجاز قبل ظهور

هرچند مکان وقوع این آتش عظیم، به طور دقیق مشخص نشده است که در کدام کشور واقع خواهد شد؟ لکن قائلین دیدگاه اول با استناد به گزاره حدیثی وقوع آتش در حجاز (عربستان)، بیان می‌کنند که مقصود از آتش مشرق، احتمالاً انفجار میادین نفتی در عربستان^۴ مقصود است:

إِذَا وَقَعَتِ النَّارُ فِي حِجَازِكُمْ وَ جَرَى الْمَاءُ فِي نَجْفِكُمْ فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ قَائِمِكُمْ؛ إِذَا مَلَأَ نَجْفَكُمُ السَّيْلُ وَالْمَطَرُ وَظَهَرَتِ النَّارُ بِالْحِجَازِ ... فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ.^۲

۱. قَبْلَهُ: أَيَّ جِهَتِهِ (فیومی، المصباح المنیر، ۲، ص ۴۸۹)؛ النَّاحِيَةُ: الْجِهَةُ (طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۵۹)

۲. حرف مِنْ به معنای ابتدائیت (ابن هشام، مغنی اللیب، ج ۱، ص ۳۱۸)

۳. حرف مِنْ به معنای فی (ابن هشام، مغنی اللیب، ج ۱، ص ۳۲۱)

۴. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي، ص ۳۹۷. کورانی، عصر الظهور، ص ۲۰۳. کورانی، عصر ظهور، ص ۲۹۷-۲۹۸.



آتش حجاز قبل ظهور

لازم به ذکر است، وقوع آتش در حجاز در منابع معتبر اهل سنت همچون صحیح بخاری و صحیح مسلم^۳ نیز گزارش شده است. البته بیان گردید اطلاق مشرق بر مناطق شرقی حجاز (عربستان)، احتمال ضعیفی است. و اصولاً آیا در احادیث، لفظ مشرق برای حجاز استعمال شده است؟ در لسان احادیث، مشرق به مناطق ایران، خراسان قدیم و ... بیشتر اطلاق می شده است و اهل بیت برای مناطق عربستان از واژه حجاز و جزیره العرب استفاده کرده اند. از اینرو احتمال دارد وقوع گزاره آتش در عربستان متفاوت از آتش مشرق قبل ظهور قلمداد شود.

دیدگاه دوم: آتش آذربایجان قبل ظهور

این دیدگاه بیان می کند با توجه به اینکه منطقه آذربایجان قدیم، جزو بلاد مشرق بوده است^۴، به قرینه گزاره حدیثی وقوع «آتش فتنه در آذربایجان»^۵، مقصود از آتش مشرق، همان آتش جنگ در آذربایجان قبل ظهور است. و در دلیلی عجیب بیان می کنند، راویان نار مشرق و نار آذربایجان، مشترک و یکی هستند؟ از اینرو اتحاد مضمونی را ثابت می دانند که در واقع یک مفهوم به دو بیان مختلف ذکر شده است. جواب واضح است: سیاق دو گزاره با هم فرق دارد؛ در گزاره «آتش آذربایجان» دعوت به سکون و عدم مداخله نظامی شده است در حالیکه در گزاره «آتش مشرق» سخن از فرج آل محمد (گشایش شیعه) و دعوت به اتخاذ برنامه اقتصادی برای مقابله به تهدیدات سال قحطی شده است.

۱. عاملی، صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۲. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۰۷.

۳. لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَخْرُجَ نَارٌ مِنْ أَرْضِ الْحِجَازِ (بخاری، صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۲۹. النیسابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۲۸)

۴. منطقه آذربایجان نیز جزو بلاد مشرق شمرده می شود: نَهْرٌ يُقَالُ لَهُ الرَّسُّ مِنْ بِلَادِ الْمَشْرِقِ (صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۴۱)

۵. لَا بَدَّ لِنَارٍ مِنْ آذَرْبَيْجَانَ لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَخْلَاسَ بِيوتِكُمْ وَ الْبِدْوَا مَا الْبَدْنَا فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا فَاسْعُوا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبِوْا وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۴ و ۲۶۳)

۶. حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد ابن عقدة الكوفي قال حدثنا أحمد بن يوسف بن يعقوب الجعفي أبو الحسن قال حدثنا إسماعيل بن مهران قال حدثنا الحسن بن علي بن حمزة عن أبيه و وهيب بن حفص عن أبي بصير عن أبي عبد الله ... لا بد لنار من آذربيجان

اما ممکن است اینگونه پاسخ داده شود: اگر در فتنه آتش آذربایجان قبل ظهور از سلاح هسته‌ای و حمله اتمی استفاده گردد، آنگاه شعله‌های انفجار هسته‌ای شبیه توصیف گزاره آتش مشرق (الهردی: آتش به رنگ سرخ و زرد) است و باید بعد از آن ذخیره مواد غذایی برای یک سال انجام شود. و البته درباره آتش فتنه و جنگ در آذربایجان قبل ظهور - که از گسل‌های فعال شرارت جنگ جهانی در قبل ظهور خواهد بود - به تفصیل در نوشتاری مستقل و جداگانه، بحث و گفتگو شده است.^۱

دیدگاه سوم: حمله دشمن به ایران و محور مقاومت شیعی

دیدگاه سوم، نگاه بسیار متفاوتی را نسبت به دو دیدگاه پیشین، ابراز و بیان می‌نماید: مقصود از آتش مشرق، به قرینه اینکه مشرق در تراث مهدوی به ایران نیز اطلاق شده است، می‌تواند حمله دشمن تلقی شود. البته مدافعان این نظریه در تقویت این دیدگاه سوم می‌کوشند به شواهدی از میراث حدیثی، نیز استناد نمایند که به اجمال فقط یکی از ادله قائلین این دیدگاه نقد و بررسی خواهد شد:

استناد به توقیع امام عصر به شیخ مفید

در کتاب الاحتجاج طبرسی و در توقیع منسوب امام عصر به شیخ مفید، ضمن ارائه دستورات و برشمردن وظایف شیعیان، به وقوع رویدادها و اخبار غیبی در «جغرافیای ظهور» نیز اشاره می‌شود؛ از جمله: در ماه جمادی از آسمان و زمین، علامت‌هایی آشکار می‌شود. قوم مشرق (ایرانیان)، محزون و غمگین می‌شوند. بعد حوادثی در عراق رخ می‌دهد و «مارقین» بر بخشی از امور عراق مسلط می‌شوند که مخالف محور مقاومت شیعی هستند. درباره عبارت «مراق عن الاسلام (خارج از اسلام) و تسلط آنها بر عراق، دو احتمال مطرح است: ۱. مراق یعنی مسلمان (همچون خوارج که مارقین نام گرفتند) اما مخالف جریان زمینه‌ساز شیعی که با کودتا یا تزویر بر قدرت مسلط خواهند شد؛ ۲. مراق یعنی غیرمسلمانان همچنانکه درباره همپیمان غربی یهود نیز «مارقة الروم» اطلاق شده است. البته جمع بین دو احتمال نیز امکان‌پذیر است (جریان درون مذهبی مخالف محور مقاومت شیعی در عراق که از حمایت غربی‌ها نیز برخوردار هستند).



آیا ترامپ برای انحراف افکار عمومی آمریکا، قصد حمله دارد؟

۱. آتش آذربایجان قبل ظهور: آغاز جنگ جهانی یا تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی (لینک).

۲. زیرا به تفصیل ادله قائلین «حمله به ایران قبل ظهور» در نوشتاری مستقل و جداگانه نقد و بررسی شده است (لینک).

تضعیف جبهه حق در امور عراق ادامه دارد تا اینکه یکی از سران شرور مخالف شیعه - و به قرینه اینکه در ادامه سخن از باز شدن حج است، می‌توان دریافت راه حج قبل از آن بسته بوده است - در عربستان سعودی به هلاکت می‌رسد؛ آنگاه حوادثی شگرف و خشنوده‌کننده برای شیعیان آغاز خواهد شد:

إِذَا حَلَّ جُمَادَى الْأُولَى مِنْ سَنَتِكُمْ هَذِهِ فَاعْتَبِرُوا بِمَا يَحْدُثُ فِيهِ وَاسْتَيْقِظُوا مِنْ رَقَدَتِكُمْ لِمَا يَكُونُ فِي الذِّي يَلِيهِ سَتَظْهَرُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ جَلِيَّةٌ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهَا بِالسَّوِيَّةِ وَ يَحْدُثُ فِي أَرْضِ الْمَشْرِقِ مَا يَحْزَنُ وَيَقْلِقُ وَيَغْلِبُ مِنْ بَعْدِ عَلَى الْعِرَاقِ طَوَائِفُ عَنِ الْإِسْلَامِ مُرَاقٌ تَضِيقُ بِسُوءِ فِعَالِهِمْ عَلَى أَهْلِ الْأَرْزَاقِ ثُمَّ تَنْفَرُجُ الْعُمَّةُ مِنْ بَعْدِ بَبَوَارِ طَاغُوتٍ مِنَ الْأَشْرَارِ ثُمَّ يُسَرُّ بِهَلَاكِهِ الْمُتَّقُونَ الْأَخْبَارُ وَ يَتَّفِقُ لِمُرِيدِي الْحَجِّ مِنَ الْآفَاقِ مَا يُؤْمَلُونَهُ مِنْهُ عَلَى تَوْفِيرٍ عَلَيْهِ مِنْهُمْ وَ اتِّفَاقٍ وَ لَنَا فِي تَيْسِيرِ حَجِّهِمْ عَلَى الْاِخْتِيَارِ مِنْهُمْ وَ الْوِفَاقِ شَأْنٌ يُظْهَرُ عَلَى نِظَامٍ وَ اتِّسَاقٍ.^۱

چون ماه جمادی الاولی فرا رسید، باید از آنچه روی می‌دهد، عبرت بگیرید و از آنچه بعد از آن واقع می‌شود، از خواب غفلت بیدار شوید (هوشیار باشید). علامت آشکاری از آسمان برای شما پدید می‌آید و نظیر آن در زمین نیز ظاهر می‌گردد. و حوادثی در سرزمین مشرق اتفاق می‌افتد که موجب غم و اندوه است و مردم را به وحشت می‌اندازد. آنگاه بی‌دینان بر عراق مسلط می‌گردند و بواسطه سوء‌اعمال آنها اهل عراق دچار سختی در معیشت و کمبود رزق می‌شوند، سپس این محنت با مرگ یکی از اشرار از میان می‌رود و از مرگ او، پرهیزکاران و شیعیان خشنود می‌گردند، و مردمی که از اطراف عالم آرزوی حج بیت‌الله دارند، به آرزوی خود می‌رسند و به حج می‌روند.

یکی از «ادله علمی» قائلین به اتحاد مضمونی آتش مشرق با حمله دشمن به مناطق شیعی را ذکر کردیم. البته ناگفته نماند برخی افراد و جریان‌ها از نگاه آکادمیک و علمی خارج شده و صرفاً با «اغراض سیاسی»^۲ در جهت مخالفت با انقلاب زمینه‌ساز و تضعیف جبهه حق، در ترویج دیدگاه سوم می‌کوشند، در حالیکه می‌بایست طرح این نوع دیدگاه‌های متفاوت در کرسی‌های نظریه‌پردازی و با حضور صاحب‌نظران و نیز رعایت موازین علمی و اجتهادی، به بحث و گفتگو و تبادل آراء و اندیشه در این باره پرداخت.

ظاهر بر این است در عصر غیبت کبری، فقط توقیع برای شیخ مفید صادر شده است.^۳ اما از طرفی چون توقیع در حدود هزار سال پیش نقل شده و مشتمل بر «ملاحم و اخبار غیبی» بوده است^۴، به مقتضای قرائن و نیز نقل متن توقیع در کتاب معتبر احتجاج، و البته قبل از آن، وجود بخشی از متن توقیع در کهن‌ترین نسخه مصباح طوسی^۵؛ بنابراین از آنجا که این توقیعات منسوب به امام عصر است، انکار قطعی آن روا نیست^۱ اما اثبات شدنی نیز نیست^۲؛ البته کماکان، درباره صحت و انتساب توقیع، جای گفتگو و بررسی بیشتری وجود دارد.^۳

۱. طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

۲. تعدادی انگشت‌شمار کانال تلگرامی و پیج اینستاگرام در فضای مجازی با طراحی پیچیده در چند لایه امنیتی، که از آن سوی مرزها هدایت و حمایت می‌شوند، با هدف مبارزه با انقلاب شیعی امام خمینی، در حال ترویج دیدگاه سوم هستند و همین موضوع، باعث شده آن دسته از اندیشمندان که با رعایت موازین علمی در صدد تنویر افکار عمومی هستند با شانتاژ رسانه‌ای این دسته افراد، با محدودیت در بیان دیدگاه‌های خویش در جهت مقابله با دسیسه‌های دشمنان مواجه شوند.

۳. البته برخی از علمای معاصر، پیامی را که برای مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به وسیله مرحوم محمّد کوفی شوشتری نقل شده را در شمار پیام‌ها و سخنان حضرت مهدی ذکر کرده‌اند (شیرازی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۵۳۶)

۴. اشمال التوقیع علی الملاحم و الاخبار عن الغیب الذی لا یطلع علیه إلا الله و أولیاءه (بحرالعلوم، رجال السید بحر العلوم المعروف بالفوائد الرجالیة، ص ۳۲۰-۳۲۱)

۵. کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد به شماره ۸۸۲۲.

اشتمال توقیع بر ملاحم و اخبار غیبی؟

صرفنظر از «انتساب صدور قطعی» توقیع برای شیخ مفید، سوال مهمی مطرح می‌شود که: این فقره از توقیع برای رویدادهای قبل ظهور است یا مربوط به دوران شیخ مفید؟

ظاهر عبارت «سنتکم»، بر این است که مربوط به حوادث عصر شیخ مفید است^۴ و نه زمان قبل ظهور؛ بویژه اینکه در این توقیع، ذکری از نشانه‌های ظهور نیست که بیانگر این باشد سخن از رخداد‌های متصل به ظهور است؛ اما ممکن است چنین مطرح شود: با تتبع در میراث مهدوی، درمی‌یابیم قاعده «تکرار تاریخ»^۵ در برخی گزاره‌های مهدوی نیز جاری است از جمله تکرار «حکومت مکر و خدعه بنی‌عباس در آخرالزمان» که در کلام امام معصوم به صراحت تأکید شده است.^۶

صرفنظر از پذیرش یا عدم پذیرش قاعده «تکرار تاریخ» و سرایت آن به گزاره‌های مهدوی - که نیازمند گفتگو و بررسی بیشتری است - اما سوالی مطرح می‌شود: آیا در عصر شیخ مفید، مورخین و تاریخ‌نگاران، چنین حوادثی را در ارض مشرق (ایران) و عراق ثبت کردند که بعد از آن، نیز هلاک و مرگ یکی از حاکمان مخالف شیعه نیز ثبت شده باشد و بعد از مرگ وی، راه حج که برای مدتی بسته شده است، باز شود؟



خاندان پادشاهی عربستان

۱. بحرالعلوم، رجال السید بحر العلوم المعروف بالفوائد الرجالية، ص ۳۲۰-۳۲۱.

۲. هرچند برخی محققین، صدور توقیع از جانب ناحیه مقدسه به شیخ مفید را ثابت دانسته و به شرح و توضیح آن نیز پرداخته‌اند (صدر، تاریخ الغیبة الكبرى، ص ۱۴۷)

۳. برای آگاهی بیشتر، مراجعه کنید به: وب‌نوشت‌های محققین و قابل دسترسی در: پژوهش‌های حدیثی (لینک)، مدینه العلم (لینک).

۴. صدر، تاریخ الغیبة الكبرى، ص ۱۵۷.

۵. البته قاعده «تکرار تاریخ» ناظر به این است: هرآنچه در «امت‌های گذشته» به وقوع پیوسته، به «اجمال» در این امت نیز تکرار می‌شود (ملاکاطمی، انگاره تکرار تاریخ در اندیشه تفسیری علامه طباطبایی، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۴۳، ص ۳۸)؛ لکن آیا آنچه در «تاریخ اسلام» نیز به وقوع پیوسته، به اجمال و نه به تفصیل در «قبل ظهور»، نیز تکرار می‌شود؟ به عنوان مثال: نصوص حدیثی دال بر این است که ملک و حکومت بنی‌عباس مبتنی بر خدعه و نیرنگ در قبل ظهور تجدید می‌شود (نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۲. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۹). پرسشی که نیازمند تدبر و تعقل بیشتری است و نمی‌توان اظهار نظر قطعی نمود.

۶. مُلْكُ بَنِي الْعَبَّاسِ مَكْرٌ وَ خَدْعٌ يَذْهَبُ حَتَّى يُقَالَ لَمْ يَبْقَ مِنْهُ شَيْءٌ ثُمَّ يَتَجَدَّدُ حَتَّى يُقَالَ مَا مَرَّ بِهِ شَيْءٌ (نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۲. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۹)

سیدمحمد صدر، مشرق را ایران دانسته و حادثه حزن‌انگیز را نیز به جنگ‌های زمان شیخ مفید در دوران حکومت آل‌بویه مرتبط می‌داند که با هجوم و حمله سلجوقیان به ایران، سلطان طغرل سپس وارد عراق گردید و جنایت‌های بی‌شماری انجام داد و مردم عراق با سختی معیشت و قحطی مواجه شدند تا اینکه طغرل به هلاکت رسید و بعد از چند سال، شیعیان توانستند به حج مشرف شوند.^۱

البته سید محمد صدر در کتاب تاریخ الغیبة، هرچند سعی کرده است، رویدادهای تاریخی آن زمان را کشف و با متن توقیع، شرح دهد لکن درباره «رویداد آسمانی وزمینی» و انطباق آن با تاریخ، با سختی و تناقض مواجه شده است. شهید صدر ثانی، بیان می‌کند: «تاریخ، رویداد روی زمین را چنین بازگو می‌کند که: در نیمه همان ماه جمادی الاولی، دریای شور طغیان کرده و آب به ایله رسید و بعد از دو روز وارد شهر بصره گردید. رویداد آسمانی نیز عبارت از سقوط پی‌درپی شهاب‌های آسمانی است که مؤرخین از آنها به سقوط ستاره‌ها تعبیر کرده‌اند، که به هنگام سقوط، صدهای هولناکی همراه با رؤیت روشنایی شدید، شنیده می‌شد. این رویداد آسمانی در سال صدور نامه نبوده است بلکه چند سال بعد در سال ۴۱۷ رخ داده است»؛ اما گویا وی متوجه ضعف استدلال خویش می‌شود و در صدد رفع آن بر می‌آید. وی در ادامه می‌نویسد: «اگر اشکال شود: ظاهر عبارت نامه حضرت در آن است که این رویدادها در همان ماه جمادی الاولی سال ۴۱۰ واقع خواهد شد. در پاسخ دو احتمال مطرح خواهد شد: یا ظاهر عبارت نامه در مورد رویدادهای آسمانی نادیده می‌گیریم و برای صدق و صحت عبارت، همان رویداد زمینی را در آن سال کافی بدانیم؛ و نیز این احتمال مطرح است در جمادی الاولی آن سال، رویدادی آسمانی نیز اتفاق افتاده اما تاریخ آن را ثبت نکرده است».^۲ اما واضح است این فقره از سخن سیدمحمد صدر، ناتمام است و از استدلال قوی برخوردار نیست.

البته سوالی که کماکان باقی می‌ماند اینکه: آیا حوادث فوق در زمان شیخ مفید رخ داده است؟ اگر به طور کامل اتفاق نیفتاده، آنگاه احتمال اینکه این حوادث مرتبط به رخدادهای قبل ظهور در ایران و عراق و مشتمل بر اخبار غیبی باشد، مطرح خواهد شد. از نظرگاه علمی، دیدگاه سوم با تردید جدی روبرو است و البته در نوشتاری جداگانه، ابهامات آن نیز به تفصیل بیان شده است (لینک).^۳

دیدگاه چهارم: حمله ایران و جبهه شیعی به مثلث «غربی، عبری، عربی»

این دیدگاه که شواهد فراوانی نیز در تقویت آن اقامه می‌کنند، از جمله: وقتی در گزاره آتش مشرق، سخن از «فرج آل محمد» است یعنی حمله ایرانیان زمینه‌ساز^۴ و محور مقاومت شیعی به دشمن و شکست دشمنان امام عصر در جغرافیای ظهور. و البته با تشکیل «خانواده حدیثی» بعد از «مرحله سیوف» چه اتفاقی می‌افتد که دشمن مجبور به پذیرش حق یا حداقل بخشی از حق ایرانیان خواهد شد و عقب‌نشینی می‌کند؟ جز اینکه پیروزی‌های برای جبهه شیعه و ایرانیان حاصل شده است که دشمن مجبور به پذیرش حق ایرانیان خواهد شد. بنابراین آتش مشرق بر مواضع دشمن، شباهت عجیبی با مرحله «سُیُوفُهُمْ عَلَی عَوَاتِقِهِمْ» در گزاره انقلاب ایران قبل از ظهور دارد. زیرا این عبارت تصریح در جنگ ندارد بلکه به نوعی «روباروی نظامی محدود» را تداعی می‌کند. بویژه اینکه آتش مشرق نیز کمتر از ۷ روز است که مقصود جنگ وسیع و گسترده نیست و صرفاً تقابل نظامی را می‌رساند و از این جهت باهم «اشتراک محتوایی» دارند.

۱. صدر، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۱۵۷-۱۶۰.

۲. صدر، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۱۵۷.

۳. مراجعه کنید به: «دیدگاه سوم» در مقاله آتش آذربایجان قبل ظهور: آغاز جنگ جهانی یا تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی (لینک).

۴. در احادیث معتبر از قوم زمینه‌ساز که قیام می‌کنند و با دشمن می‌جنگند و کشته‌های آنان شهید محسوب می‌شود و سرانجام انقلاب‌شان به حکومت جهانی امام عصر متصل خواهد شد، سخن به میان آمده است: کَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ ... وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَی عَوَاتِقِهِمْ ... يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ (نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۳)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۱۳).

البته به قرینه، عبارت «قتلاهم شهداء»، طبیعی است در میدان تقابل نظامی با دشمن، برخی مناطق مورد هدف نیز قرار گیرد و خسارت‌های مادی و معنوی تحمیل شود و زمینه‌سازان به مقام رفیع شهادت نائل شوند؛ اما یقینی است، به قرینه عبارت «فَيَقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ» و نیز عبارت «فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ»، در نهایت این دشمن است که شکست می‌خورد و ضربه نهایی بر مثلث «غربی، عبری، عربی» وارد خواهد شد؛ و محور مقاومت دست برتر نظامی را در معادلات «جغرافیای ظهور» و در مسیر «کربلا تا قدس» خواهد داشت.



سپاه قدس مکتب سلیمانی تا آزادی فلسطین ادامه خواهد داشت

حمله نظامی ایران و جبهه شیعی به دشمن در زمین و دریا

بنابراین واقعه «عمود آتش مشرق»، حادثه صنع بشری و هویت جنگی دارد و به قرینه عمود آتش، حمله به هدف و مکان معین از مواضع دشمن و از جمله رویدادهای قبل از ظهور است. به گونه‌ای که شعله‌های آتش سرخ و زرد (الهردی) به سمت آسمان زبانه می‌کشد (عمود) و بسیار هولناک توصیف شده است (عظیمه) و تا چند شبانه‌روز ادامه خواهد داشت (تطلع لیالی) و بین ۳ تا ۷ روز ادامه خواهد داشت (ثلاثه او سبعة ایام) و برای تمام مردم جهان، این رخداد جنگی از طریق شبکه‌های تصویری و وسائل ارتباط جمعی و شبکه‌های تلویزیونی قابل مشاهده خواهد بود (بیراه اهل الارض کلهم) و به منزله آغاز پیروزی‌های جبهه حق بر علیه باطل در حوادث منتهی به ظهور خواهد شد (قدام القائم بقلیل).

که البته آتش مشرق خود نشانه آغاز تدریجی قحطی و گرسنگی فراگیر در جهان است (سنة الجوع) که باید برای یکسال ذخیره مواد غذایی و مایحتاج مردم توسط حکومت‌ها تامین شود (فلیعدّ لأهله طعام سنة).

و بدین‌سان، با فشار دشمن بر جبهه مقاومت شیعی و حمله به منافع یکدیگر، سرانجام ایران زمینه‌ساز ظهور، ضربه نهایی و پیروزمندانه را در «مرحله سیوف»، تحت عنوان عملیات «آتش مشرق» بر هدف مشخص از مواضع دشمن در زمین و دریا، فرود خواهد آورد.



تقابل نظامی مثلث «غربی، عبری، عربی» با جبهه «مقاومت شیعی»

و دشمن شکست خورده، مجبور به پذیرش بخشی از خواسته‌های ایرانیان خواهد شد (فیعطونه ماسالوه) لکن ایرانیان به دلیل قرب ظهور (قدام القائم بقلیل) و نیز تغییر معادلات جهانی همچون اختلاف و قتل بین غربی‌ها (هرج الروم) نمی‌پذیرند (فلا یقبلونه) بلکه مهبیای فتح عظیم و پیروزی نهایی بر دشمن (مارقه الروم و اسرائیل) در مرزهای فلسطین در آستانه ظهور خواهند شد (فیقوموا) و در نهایت پرچم انقلاب و تمام امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری انقلاب خویش را به حضرت صاحب الامر امام مهدی خواهند سپرد (فلا یدفعونها الا الی صاحبکم).

اعتبارسنجی «محتوایی» آتش مشرق قبل ظهور

۳-۷ شبانه‌روز: تقابل نظامی و جنگ محدود

مدت آتش مشرق حداقل سه روز، اما از هفت روز بیشتر نخواهد شد؛ و نیز احتمال دارد نشانه‌ای برای تبادل آتش و ضربات متقابل بین طرفین در مدت کوتاه باشد و نشانگر این است آتش مشرق منجر به «جنگ فراگیر» نخواهد شد. اما در عین حال، پرده از رازی مهم برمی‌دارد: ضربات و آتش حمله چنان غافلگیرانه خواهد بود که به چند روز نرسیده، نتایج سریع و خیره‌کننده برای یکی از طرفین حاصل خواهد شد. و با تشکیل «خانواده حدیثی» و به قرینه «مرحله سیوف» که بعد از آن دشمن مجبور به پذیرش خواسته‌ها خواهد شد، نشان می‌دهد، هرچند بین ایران و دشمنان، تقابل نظامی رخ خواهد داد اما ضربات محور مقاومت شیعی بر علیه دشمنان، قوی‌تر و کوبنده‌تر خواهد بود.

عمود آتش، اشاره به حادثه و مکان معین دارد

در فرض وحدت محتوایی گزارش شیعه با اهل سنت، نار مشرق به وصف «عمود آتش» توصیف شده است. عمود در لغت یعنی آنچه از زمین به آسمان است و نه آنچه در آسمان به صورت عمودی ظاهر می‌شود و این دیدگاه پدیده فلکی و نجومی بودن آتش مشرق را تضعیف می‌کند. و اصولاً در تراث مهدوی، تعبیر «نار» بیشتر برای فتنه‌ها و جنگ استعمال شده است. ضمن اینکه، تعبیر «عمود آتش»، اشاره به هدف‌گیری و ضربه نظامی به موضعی دارد که بعد از آن، ستونی از آتش در آن مکان شعله‌ور خواهد شد و آتش به شکل عمودی به آسمان، زبانه خواهد کشید. و تعبیر «عظیم» برای آتش، نیز دلالت بر اشتعال و آتش گرفتن هدفی بزرگ در زمین و دریا دارد که موجب چنین آتش‌سوزی بزرگ و هولناک در مناطق پیرامونی جغرافیای ظهور خواهد شد.

آیا عمود آتش مشرق، اشاره به حمله اتمی دارد؟

البته حمله به تاسیسات هسته‌ای، منتفی است زیرا از نظر علمی، اولاً آتش حمله اتمی برای چند روز ادامه پیدا نمی‌کند^۱ و ثانیاً به شکل عمودی نیست؛ ضمن اینکه رنگ آتش حاصل از حمله اتمی و مشابه آن، سفید و خاکستری است در حالیکه آتش مشرق به رنگ سرخ زعفرانی گزارش شده است.



انفجار اتمی

البته هرگونه حمله اتمی، شعله‌های جنگ جهانی را شعله‌ور خواهد کرد. در حالیکه مطابق کدهای حدیثی، منطقه خاورمیانه جزو مناطق اصلی شرارت‌های جنگ جهانی نیست بلکه تمدن غرب (هرج الروم) و غیرمسلمانان درگیر جنگ جهانی قبل ظهور خواهند بود. شیعیان و مسلمانان خاورمیانه در مثلث «کوفه، مکه و قدس» به دلایلی که ذکر گردید، از شعله‌های جنگ جهانی نسبتاً به دور هستند^۲ و کمتر آسیب می‌بینند.^۳ و اگر فرض بر این است که سخن از حمله به تاسیسات اتمی است، طبق کدهای حدیثی، این قوم مشرقی (ایرانیان زمین‌ساز) هستند که بر دشمن پیروز می‌شوند^۱؛ بنابراین جبهه پیروز و فاتح میدان درگیری نظامی (جبهه مقاومت شیعی)، امکان ندارد مورد حمله اتمی واقع شود و در عین حال، پیروز نهایی میدان جنگ نیز باشد.

۱. هرچند آثار حمله اتمی تا سالها باقی میماند اما آتش حاصل از حمله اتمی، سریع خاموش می‌شود و تا چند روز ادامه ندارد.

۲. طبسی، نشانه‌هایی از دولت موعود، ص ۵۵. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي، ص ۷۷۷. اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، ص ۱۴۱. طبسی، فی رحاب حکومت الإمام المهدي، ص ۵۱. شواهدی نیز بر این امر می‌توان اقامه نمود از جمله در برخی احادیث تصریح شده که شیعیان و مناطق خاورمیانه کمتر آسیب خواهند دید و احتمال دارد در زمره یک‌سوم نجات‌یافته از آتش جنگ جهانی قرار گیرند: لا یكونُ هذا الأمرُ حتّی یدهبُ ثلثاً الناس، فقیل له: إذا ذهب ثلثاً الناس فما یبقی؟ فقال: أما ترضون أن تكونوا الثلث الباقي (صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۶ و مشابه آن: طوسی، الغیبة، ص ۳۳۹)؛ سند نیز معتبر است (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۹۱)

۳. البته ناگزیر آتش جنگ جهانی و اختلاف شرق و غرب، بخشی از مناطق مسلمانان را نیز تا حدودی شامل خواهد شد: اختلف أهل المشرق و أهل المغرب نعم و أهل القبلة و یلقى الناس جهداً شديداً مما یمرُّ بهم من الخوف (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵)؛ و نشانگر این است که مشکلات و خوف مسلمانان به تبع اختلاف و جنگ بین غرب و شرق ایجاد خواهد شد همانطور که محقق محترم کتاب الغیبة -جناب مرحوم غفاری- استنباط فرمودند: بقیرتة قوله «و أهل القبلة» أن المراد بأهل المشرق و المغرب الكفار اما أهل الكتاب أو غیرهم من المشركين أو الملاحدة و الدهريين (نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۲)



توازن رعب و موازنه وحشت

ضمن اینکه به دلیل «توازن رعب» هرگونه حمله اتمی به ایران، موجب زوال و نابودی زودتر از موعد رژیم اسرائیل خواهد شد. از اینرو به قیمت حفظ یهودیان اسرائیل که به خیال باطل خویش، بتوانند مبعد سلیمان را رونمایی کنند - که شرط اساسی بازگشت مسیح از دیدگاه صهیونیست مسیحی است^۲ - افاق فکری طراح جنگ، از هرگونه حمله اتمی بر علیه شیعه خودداری خواهند کرد. اما از جبهه باطل در هنگام غرق شدن، هر احتمالی غیرمعقولی وجود دارد بویژه اگر پشت صحنه با اعتقاد مذهبی نیز آغشته شود.

https://t.me/rasad_tahlil/21432

عقیده مسیحیت صهیونیستی: حمله به ایران و عراق، باعث تسریع در بازگشت منجی و مسیح خواهد شد

الهردی: حمله نظامی در زمین و دریا

یکی از دلایلی که احتمال پدیده فلکی بودن گزاره آخرالزمانی آتش مشرق را تضعیف می کند، توجه به جوهره معنایی واژه «الهردی» است. در معاجم لغت عربی، الهمردی را آتش زرد و سرخ که به دلیل شدت اشتعال به رنگ زعفران می گراید^۳، ذکر کردند؛ کارشناسان مهدوی نیز همین معنا را برگزیدند.^۴ بنابراین با توجه به جوهره معنایی واژه «الهمردی»، آتش مشرق متصف به شعله های سرخ زعفرانی که به آسمان زبانه می کشد، بیانگر حمله به هدفی بزرگ در زمین و دریا است که به علت دشواری در فرایند اطفای حریق، تا چند روز نیز ادامه خواهد داشت.

۱. ایرانیان سلاح بر دوش می گیرند اعم از قدرت نمایی نظامی و تقابل محدود نظامی: سُبُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ و بعد از وقوع حوادثی، دشمن مجبور به پذیرش خواسته ها خواهد شد: فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳).
۲. احمدوند، آخرالزمان در نگاه مکتب صهیونیسم مسیحی، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱۴، ص ۹۹-۱۲۳.
۳. البته اندکی نیز به رنگ سبز (رنگ عروق) است.
۴. المراد به أن لون هذه النار العظيمة صفراء تميل إلى الحمرة لشدة اشتعاله (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۳۸۲).

زمان وقوع آتش مشرق: ماه رمضان؟

گزاره آتش مشرق در کتب حدیثی شیعه بدون اشاره به زمان خاصی، صرفاً به عنوان حادثه‌ای قبل ظهور، نقل شده است:

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ... قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَطْلُعُ لِيَالِي فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَ هِيَ قَدَامَ الْقَائِمِ بَقِيلٍ^۱.

از ابوبصیر به نقل از امام صادق: هنگامیکه نشانه آتش عظیم و بزرگ در آسمان از سمت مشرق دیدید که برای چند شبانه‌روز ادامه داشت، در آن هنگام، فرج مردم و نزدیکی‌های ظهور قائم است.

اما در کتب اهل سنت به وقوع آتش مشرق در ماه رمضان تصریح شده است:

إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا أَحْمَرَ قِبَلَ الْمَشْرِقِ فِي رَمَضَانَ فَادْخِرُوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ فَإِنَّهَا سَنَةٌ جُوعٍ^۲. إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي السَّمَاءِ مِثْلَ النَّارِ فِي رَمَضَانَ فَأَعِدُّوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ فَإِنَّهَا تَكُونُ سَنَةً جُوعٍ^۳.

هنگامیکه عمود آتش از سمت مشرق در ماه رمضان قبل ظهور دیدید که برای همه اهل زمین نیز قابل رویت و مشاهده است، ذخیره غذایی یک‌سال را تهیه کنید که سال قحطی (سنة جوع) در پیش است.

بنابراین، مطابق گزارش اهل سنت «عمود آتش مشرق» در ماه رمضان است و بعد از آن نیز سنة الجوع (سال قحطی) در پیش است، اما واضح است این مقدار اشتراک، الزاماً به معنای وحدت محتوایی نیست البته دلیلی هم بر تفاوت وجود ندارد. صرفاً با مقایسه درمی‌یابیم هرچند منابع فریقین اشتراک نظر دارند با ظهور مرتبط است اما مصادر شیعی به زمان وقوع آتش مشرق در «ماه رمضان» تصریح ندارند. ضمن اینکه احتمال دارد، دو حادثه جداگانه باشند.

فرج آل محمد: ظهور

با تتبع در تراث حدیثی شیعی، درمی‌یابیم عبارت «فرج آل محمد» و مشابه آن، علاوه بر معنای «گشایش در عصر غیبت»، در بشارت «قرب ظهور» امام مهدی نیز استعمال شده است^۴ و حتی در ادعیه منقول از معصومین، قرین برپایی دولت اهل بیت و حکومت امام مهدی ذکر شده است^۵؛ و اصولاً

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

۲. طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۱۱۹.

۳. الشجرى، الأمالی الخمیسیة، ج ۲، ص ۳۷.

۴. البته ممکن است چنین اشکال شود، در میراث حدیثی، عبارت «فرج آل محمد» صرفاً برای قرب ظهور نیست. زیرا در حدیثی با اینکه بنی‌عباس که سالها منقرض شده اند، اما از ضعف حکومت بنی‌عباس به عنوان فرج آل محمد تعبیر شده است؛ پس این عبارت الزاماً برای قرب و نزدیکی ظهور به کار نمی‌رود: مَتَى أَرَى فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ قَالَ يَا بَشَّارُ إِذَا تُوفِّيَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ هُوَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي فِي أَشَدِّ الْبِقَاعِ بَيْنَ شَرَارِ الْعِبَادِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَصِلُ إِلَى وُلْدِ بَنِي فُلَانٍ مُصِيبَةً سَوَاءً فَإِذَا رَأَيْتَ ذَلِكَ التَّقْتُ حَلَقَ الْبَطَانَ وَ لَا مَرَدَّ لِأَمْرِ اللَّهِ (ابن مشهدی، المزار، ص ۱۳۹)؛ پاسخ این است: البته این موضوع در حدیث فوق، قبل آغاز عصر غیبت کبری هنگام شهادت امام حسن عسکری بوده است (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۳۸۱) و تخصصاً از موضوع بحث خارج است. بلکه مقصود آن دسته از احادیثی است که به عنوان «حوادث عصر غیبت کبری» است و تعبیر فرج آل محمد در این نوع احادیث حکایت‌گر، حوادث منتهی به ظهور است.

۵. عَجَلُ فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِكَ أَغْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ (ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۱۶ و ۲۳۳)

عبارت‌های دیگر همچون: «فرج عظیم»، «فرج الناس»، «انتظروا الفرَج»، «فرج شیعتکم» و «فرج آل محمد» و سایر مشتقات آن، همگی در احادیث علائم ظهور و فقط در تراث مهدوی، استعمال شده‌اند^۱ و نشان از حوادثی است که «بشارت نزدیکی و قرب ظهور» را به همراه دارد.

مضافاً بر اینکه محقق پرتوان و احیاگر نسخ شیعی (مرحوم غفاری) در تحقیق کتاب الغیبة نعمانی، علاوه بر نسخه «فتوقوا فرج آل محمد»، عبارت «فتوقوا الفرَج بظهور القائم» را نیز ذکر کرده است.^۲

البته در ادامه حدیث، زمان عمود آتش و «فرج آل محمد» در زمان «قَدَام القائم» (نزدیکی ظهور) تعبیر و تفسیر شده است که دیگر جای هیچ‌گونه بحث و شکی باقی نمی‌ماند:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ نَاراً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ شَبِهُهُ الْهَرْدِيُّ الْعَظِيمِ تَطَّلَعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.^۳

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ... قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَاراً عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَطَّلَعُ لِيَالِي فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَ هِيَ قَدَامُ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ.^۴

از ابوبصیر به نقل از امام صادق: هنگامیکه نشانه آتش عظیم و بزرگ در آسمان از سمت مشرق دیدید که برای چند شبانه‌روز (بین ۳-۷ شبانه روز) ادامه داشت، در آن هنگام، فرج مردم و نزدیکی‌های ظهور قائم است.

لازم به ذکر است در تراث حدیثی مهدوی، عبارت «فرج آل محمد» در دو موضوع به کار رفته است: الف. مرگ پادشاه عربستان و اعلان خبر مرگ او در موسوم حج^۵ که دشمن شیعه و همپیمان سفیانی مورد حمایت غربی‌ها است؛ ب. در واقعه عمود آتش مشرق نیز عبارت فرج آل محمد استعمال شده است و حاکی از اهمیت فوق‌العاده این دو حادثه مهم برای شیعیان در «جغرافیای ظهور» دارد.

عبارت فرج آل محمد، اشاره به شکست‌های بیپای دشمن و پیروزی نهایی جبهه مقاومت شیعی بر علیه باطل در حوادث منتهی به ظهور خواهد بود. و در کمال شگفتی با عبارت «فیعطون ما سالوه فلا یقبلونه» در مراحل انقلاب ایرانیان نیز هماهنگی دارد. زیرا اگر نصر، فتح و پیروزی برای جبهه شیعی اتفاق نیافتاده باشد (فرج آل محمد)، چه دلیلی دارد دشمن سرکش که در دو مرحله از حق قوم مشرق ممانعت کرده است، این بار با ذلت و فروتنی، مجبور به پذیرش خواسته‌های ایرانیان شود؟

۱. ر.ک: مرکز نور، نرم افزار مهدویت: جستجوی مشتقات «فرج».

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۳.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰.

۴. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

۵. يَبْنِي النَّاسُ وُقُوفَ بَعْرَفَاتٍ إِذْ أَنَا هُمْ زَاكِبٌ عَلَى نَاقَةٍ ذُعَلِيَّةٍ يُخَيِّرُهُمْ بِمَوْتِ خَلِيفَةٍ يَكُونُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَرَجٌ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرَجُ النَّاسِ جَمِيعاً (نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۷)



الإمام الخامنئي
@ikhamenei_ar

"إن شهداءنا الذين ضحوا بأنفسهم قد قربوا
موعد يوم الظهور.."

Translate Tweet

12:45 a.m. · 01 Mar. 20 · Twitter for Android

424 Retweets 2,106 Likes

امام خامنه‌ای: قتل‌های شهداء، موجب قرب و نزدیکی ظهور شدند

و البته تاکید «فرج آل محمد» (قدّم القائم) بعد عبارت «فرج الناس» یعنی حق مظلوم از ظالم گرفته خواهد شد. نکته مهم دیگر، سخن از «فرج الناس» بیانگر این است این آتش انتقام سخت، نه تنها متوجه «دشمنان امام عصر» است بلکه متوجه «دشمنان بشریت» نیز خواهد بود که بعد از آن به سبب شکست «ظالم جهانی»، چنین گشایشی برای عموم مردم نیز حاصل خواهد شد.

مرحله «سیوف»: تقابل نظامی و «انتقام سخت» ایران

از منظر آینده‌پژوهی مهدوی، هرچند درباره واقعه «عمود آتش مشرق» قبل ظهور، نمی‌توان به جمع‌بندی قطعی رسید لکن به قرینه اشاره به «فرج آل محمد» و جوهره معنایی واژه «الهردی»، دیدگاه دوم (هویت جنگی) ترجیح دارد و قدر متیقن در صورت وحدت محتوایی گزاره «آتش مشرق» در فریقین، نشانه و علامت «سنة الجوع» و وقوع «جنگ جهانی» قبل ظهور نیز است.

صرفنظر از اینکه ماهیت آتش مشرق قبل ظهور، چیست و کدام دیدگاه ترجیح دارد؟، اما شکی نیست ایرانیان بعد از دو مرحله «مطالبه حق» از دشمن و البته یاس از اخذ حق خویش آنگاه در مرحله بعد «مرحله سیوف» چنان قدرتمند و طوفانی ظاهر خواهند شد و در «تقابل نظامی» با دشمن انتقام سخت را بر مثلث «غری، عبری، عربی» وارد خواهند ساخت که دشمن مجبور به اعطای بخشی از حق ایرانیان خواهد شد اما مقاومت شیعی به دلایل مختلف از جمله تغییر شرایط معادلات جهانی در اثر واقعه «هرج الروم»، آماده «رویاری حتمی» و جنگ با دشمن (اسرائیل و مارقة الروم) در آستانه ظهور خواهند شد.

حمله به منافع نظامی مثلث «غری، عبری، عربی»

سوال اساسی و بسیار مهم اینکه: ایرانی‌ها در کدام میدان، وارد فاز نظامی می‌شوند و جنگ سیوف، عملیاتی خواهد شد؟ واضح و میرهن است، از آنجا که ایرانیان، هدف زمینه‌سازی ظهور را بر عهده دارند (لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِهَا)، و در گزاره آتش مشرق نیز سخن از فرج آل محمد است، طبیعی است

جنگ با همپیمانان سیاسی و نظامی «سفیانی» (دشمن اصلی امام عصر) یعنی عملیات نظامی بر علیه مواضع دشمنان در محور مثلث «عربی^۲، غربی^۳، عبری^۴» در دستور کار خواهد بود.



مثلث «عربی، عبری، غربی»

جنگ دریایی ایران با آمریکا، اسرائیل و ناتوی عربی

البته در این میان، نقش «قدرت نظامی دریایی جبهه مقاومت شیعی» قبل ظهور، بسیار حائز اهمیت است. در کتاب الإختصاص و نیز کتاب دلائل الامامة از ابوبصیر نقل می‌شود: نزد امام صادق بودم. مردی اهل خراسان (ایران) نزد ایشان بود و با ایشان به زبانی گفتگو می‌کرد که من نمی‌فهمیدم (صحبت به زبان فارسی) و سپس با زبانی صحبت کردند (زبان عربی) که من فهمیدم. امام صادق فرمود: پایت را بر زمین بکوب؛ ناگهان دریایی هوبدا

۱. السُّفْيَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمَ (صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۴۶)؛ سفیانی، اسم رمز حاکم موقت منطقه شام در عصر ظهور برای بازه زمانی کمتر از ۲ سال که علاوه بر تسلط بر سوریه، به عراق حمله نظامی می‌کند. ضمن اینکه برای حمایت از حاکمان همپیمان خویش در عربستان و در جهت مقابله با امام عصر نیز نیروی نظامی به مدینه و مکه اعزام می‌کند (کوران، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي، ص ۳۸۰)

۲. سفیانی همپیمان خاندان آل فلان در عربستان است؛ آل بنی فلان قبل از ظهور بر عربستان حکومت می‌کنند: يَا رُزَاةُ لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غَلَامٍ بِالْمَدِينَةِ... يُقْتَلُ جَيْشُ آلِ بَنِي فُلَانٍ. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷)؛ و سفیانی همپیمان خاندان آل فلان حاکم در عربستان است: فَيَبْتَدِرُ الْحَسَنِيُّ إِلَى الْخُرُوجِ فَيَثْبُ عَلَيْهِ أَهْلُ مَكَّةَ فَيَقْتُلُونَهُ وَ يَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِ... وَ يَبْعَثُ الشَّامِيُّ عِنْدَ ذَلِكَ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۵). این هماهنگی بین نظامیان آل بنی فلان و سفیانی در به شهادت رساندن سید حسنی، نفس زکیه قبل از ظهور می‌باشد (ر.ک: آیتی، تاملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۲۳۴) و حاکی از ارتباط عمیق خاندان حاکم در عربستان با حاکم دمشق در منطقه شام دارد که متعاقب شهادت نفس زکیه، سفیانی لشکر نظامی خود از منطقه شام را به مدینه اعزام می‌کند ولی در منطقه بیداء بین مکه و مدینه، خسف خواهد شد (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰)

۳. سفیانی، مورد حمایت غربی‌ها است: يُقْبَلُ السُّفْيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُتَّصِرًا فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ وَ هُوَ صَاحِبُ الْقَوْمِ (طوسی، الغيبة، ص ۴۶۳)

۴. سفیانی، مورد حمایت یهود است: إِنَّ عُدْتُمْ عُدْنَا (سوره اسراء، آیه ۸)، يَعْنِي إِنْ عُدْتُمْ {اليهود} بِالسُّفْيَانِيِّ عُدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۴)

می شود که بر سواحل اش، سوارانی هستند که گردن های خود را بر فراز زین اسب هایشان گذاشته اند (کنایه از آمادگی نظامی نیروی دریایی جبهه زمينه ساز ظهور برای جنگ با دشمنان). امام صادق فرمود: آنان، در زمره انصار قائم (زمينه سازان ظهور) هستند:

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ عِنْدَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ خُرَّاسَانَ وَ هُوَ يُكَلِّمُهُ بِلِسَانِ لَأَ أَفْهَمُهُ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى شَيْءٍ فَهَمَّتُهُ فَسَمِعْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ يَقُولُ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ الْأَرْضَ فَإِذَا بَحْرٌ تَلُكَ الْأَرْضِ عَلَى حَافَتَيْهَا فُرْسَانٌ قَدْ وَضَعُوا رِقَابَهُمْ عَلَى قَرَابِيسِ سُرُوجِهِمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: هَؤُلَاءِ أَصْحَابُ (أَنْصَارِ) الْقَائِمِ.^۱



رصد ناوهای آمریکایی در خلیج فارس

لازم به ذکر است عبارت «هولاء انصار القائم»، الزاما اشاره به اصحاب خاص حلقه اول (۳۱۳ نفر) امام عصر نیست. زیرا متواتر است که اصحاب خاص حضرت در مکه مکرمه کنار کعبه اجتماع می کنند در حالیکه در این حدیث، به حضور یاوران امام عصر در سواحل دریا (بِحُرِّ عَلَى حَافَتَيْهَا) و در حالت آماده باش نظامی (فُرْسَانٌ قَدْ وَضَعُوا رِقَابَهُمْ عَلَى قَرَابِيسِ سُرُوجِهِمْ) اشاره شده است. از اینرو شاید این عبارت اشاره به یاوران و زمينه سازان ظهور و نقش مهم آنان در مقابله با دسيسه های دشمن بر علیه شيعه در جنگ های دریایی دارد. و حتی در فرض اینکه مقصود سيصد و سيزده نفر اصحاب خاص حضرت باشد، از آنجا که غالب یاران امام عصر، از عجم می باشند، ایرانی ها نیز مشمول آن هستند.

۱. البته حدیث چند نسخه ای است: ۱. فَإِذَا بَحْرٌ تَلُكَ الْأَرْضِ (مفید، الاختصاص، ص ۳۲۵)؛ ۲. فَإِذَا بَحْرٌ تَحْتَ الْأَرْضِ (طبری، دلائل الامامة، ص ۴۶۰)؛ ۳. فَإِذَا نَحْنُ بِنِطْلِكَ الْأَرْضِ (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۸۹). البته نسخه سوم قطعا با سیاق و محتوای حدیث سازگاری ندارد. و بنظر می رسد به دلیل تقدم رتبه، نسخه کتاب الاختصاص، ارجح است.

۲. مفید، الاختصاص، ص ۳۲۵. طبری، دلائل الامامة، ص ۴۶۰. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۸۹.

نگاه «حداقلی» جریان شریعت‌گرای سنتی

البته این توهم اشتباه در میان برخی «شریعت‌گرای‌های سنتی» با نگاه «حداقلی» به فرایند ظهور، نضج و شکل گرفته است که امام عصر نیازی به زمینه‌سازی و حمایت نظامی ندارد در حالیکه با اندکی تدبیر در تراش مهدوی، متوجه می‌شویم: غلبه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بر «هیمنه‌پوچ استکبار» حتی بعد از ظهور که خود امام عصر نیز حضور دارند، با کمک و نصرت زمینه‌سازان اتفاق خواهد افتاد؛ و حضرت مهدی از نسل امام حسین با کمک سلاح یارانش و یاری زمینه‌سازان، دشمنان را شکست خواهند داد:

مَهْدِيًّا مِنْ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ يَحْرَقُهُمْ بِسَيْفٍ أَوْلِيَّائِهِ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ.^۱

قوم زمینه‌ساز، که شعارشان «بالثارات الحسين» است و آرزوی شهادت دارند و به وسیله آنان است، امام مهدی یاری و نصرت خواهد شد:

يَتَمَنُّونَ أَنْ يَقْتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارَهُمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ... بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ.^۲

و همگان می‌دانند این مهم، یک‌شبه حاصل نخواهد شد. بلکه شیعه باید «اوج آمادگی و اقتدار نظامی» قبل ظهور را حفظ نماید زیرا مخاطراتی فراوانی شیعه را تهدید می‌کند و از این رهگذر می‌توان برداشت غلط و اشتباه مخالفین «تشکیل قدرت منجسم شیعی» - تحت شعار واحد «زمینه‌سازی» در «جغرافیای ظهور» - را بیش از پیش احساس کرد. زیرا چگونه ممکن است نقشه‌های پیچیده جبهه باطل را خنثی نمود در حالیکه شیعه قبل ظهور از قدرت نظامی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به هدف یاری امام عصر برخوردار نباشد؟

نام کتاب: صحیفه امام نویسنده: الخميني، السيد روح الله جلد: ۲۱ صفحه: ۳۲۷

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت- ارواحنا فداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، **خطری بزرگ و خیانتی سهمگین** را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.

امام خمینی: مسئولینی که در فکر زمینه‌سازی ظهور نیستند، خائن و خطرناک هستند (لینک)

۱. بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. نیلی نجفی، سرور أهل الإيمان، ص ۹۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

بعد از اثبات اینکه شیعه به دلایل عقلی و نقلی، ضرورت دارد در مثلث «کوفه، مکه و قدس»، فرایند زمینه سازی را سرعت بخشد، آنگاه این سوال مطرح می شود: و اگر در عصر ظهور، به سر می بریم، متعاقب آن چه تکالیف فردی و اجتماعی برای جامعه زمینه ساز در مقابله به دسیسه های جبهه باطل، ایجاد خواهد شد؟

و البته به فرموده امام خمینی: امید است عصر معاصر، عصر ظهور باشد (خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷) و این قرن، قرن غلبه مستضعفین بر مستکبرین باشد (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۱) و جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۰-۴۸۱)



ایرانیان از انقلاب تا ظهور

توهم سقوط انقلاب زمینه ساز

در احادیث معتبر نیز از «ایرانیان زمینه ساز» که قیام می کنند و با دشمن می جنگند و کشته های آنان شهید محسوب می شود و سرانجام انقلاب شان به حکومت جهانی امام عصر متصل خواهد شد، سخن به میان آمده است:

كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ ... وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ ... يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ.^۱

نکته بسیار مهم: از آنجا که در احادیث شیعه و اهل سنت، فقط برای ایرانیان عبارت «لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ» و نقش زمینه سازی ذکر شده است، به روشنی گویای این واقعیت است که نقش مدیریت و سرپرستی جهان تشیع و رهبری امت در مواجهه با دشمن و جبهه استکبار (مثلث شوم غربی، عبری و عربی) بر عهده ایرانیان نهاده شده است که توانسته تحت پرچم «جبهه حق» و شعار واحد «زمینه سازی» با گردهم آوردن شیعیان از مناطق مختلف جغرافیای ظهور - عراق (عصائب العراق)^۲، یمن (اهل الیمن)^۱، لبنان و فلسطین (ابدال الشام)^۲ - در مثلث «کوفه، مکه و قدس»، فرایند امر ظهور را برای تشکیل حکومت حقه جهانی حضرت ولیعصر مهیا و فراهم سازد.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۳. سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۳)

۲. طوسی، الغیبه، ص ۴۷۷.



محور مقاومت شیعی قبل ظهور

خاتمه

۱. ضرورت واکاوی «آتش مشرق» قبل ظهور، بدان جهت اهمیت مضاعف دارد که خود نشانه‌ای است بر آغاز قحطی و گرسنگی در جهان (سنة الجوع) و باید ذخایر استراتژیک غذایی و تدابیر اقتصادی از طرف حکومت‌ها انجام شود که البته ناشی از وقوع جنگ جهانی (هرج الروم) قبل از «سنة الجوع» است که در اثر آن، مرگ سفید (طاعون) و مرگ سرخ (جنگ و خونریزی) در گستره جهانی رخ خواهد داد.
۲. مساله اصلی پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل «آتش مشرق» قبل از ظهور با نگاه آینده‌پژوهانه مهدوی است. پرسش اساسی این است: عمود آتش مشرق، آیا اشاره به پدیده فلکی و نجومی دارد یا حادثه صنع بشری (حمله نظامی) یا انفجار هسته‌ای؟ دیدگاه اول: پدیده فلکی است و ادعا می‌کنند مرتبط با موضوع «ستاره دنباله‌دار» (النجم ذو الذنب) است. دیدگاه دوم: هویت جنگی؛ مطابق این دیدگاه، گزاره «آتش مشرق» در میراث آینده‌پژوهی مهدوی، آیا تقابلی نظامی با دشمن خواهد بود یا در واقع تلمیحی است به نقشه تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی؟ سه احتمال مهم مطرح است:
۳. آتش در عربستان: قائلین با استناد به گزاره حدیثی وقوع آتش در حجاز، بیان می‌کنند که مقصود از آتش مشرق، احتمالاً انفجار میدانی نفتی در عربستان مقصود است.

۱. طبری، دلائل الإمامة، ص ۴۶۶.

۲. ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الاخبار، ص ۴۳۳. لازم به ذکر است «ابدال الشام» از بیعت کنندگان با امام عصر در هنگامه ظهور با اصطلاح «ابدال» در کتب برخی عرفا فرق دارد. توضیح اینکه: در احادیث متعددی ذکر شده، بعد از ظهور و قیام امام عصر از کنار کعبه در مکه، شیعیان مناطق مختلف همچون رایات من خراسان، عصاب عراق، اهل یمن، نجباء مصر و ابدال شام با حضرت بیعت خواهند نمود (مفید، الإختصاص، ص ۲۰۸. مفید، الأمالی، ص ۳۱). در الغیبه شیخ طوسی بیعت شیعیان چنین گزارش شده است: یُبَاعِعُ الْقَائِمُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ نَيْفَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرِ فِيهِمْ النُّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ (در نسخه کتاب عمدة عیون صحاح و کتاب الإختصاص، واژه «عصاب عراق» ذکر شده است) مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ (طوسی، الغیبه، ص ۴۷۷). ضمن اینکه برخی از این افراد در زمره ۳۱۳ نفر یاران امام عصر نیز قرار خواهند گرفت: خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ... وَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ النَّبِيِّ يَبِيعُ لَهُ بَيْنَ زَمْرَمَ وَ الْمَقَامِ يَرْكَبُ إِلَيْهِ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ أَبْدَالِ الشَّامِ وَ نُجَبَاءُ أَهْلِ مِصْرَ وَ تَصِيرُ أَهْلُ الْيَمَنِ عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرِ (طبری، دلائل الإمامة، ص ۴۶۶. مفید، الإختصاص، ص ۲۰۸).

۴. حمله به ایران و محور مقاومت شیعی: در توقیع منسوب امام عصر به شیخ مفید، به وقوع رویدادها و اخبار غیبی در «جغرافیای ظهور» نیز اشاره می‌شود؛ از جمله: ماه جمادی در آسمان و زمین، علامت‌هایی آشکار می‌شود. قوم مشرق (ایرانیان)، محزون و غمگین می‌شوند. بعد حوادثی در عراق رخ می‌دهد و «مارقین» بر بخشی از امور عراق مسلط می‌شوند. تضعیف جبهه حق در امور عراق ادامه دارد تا اینکه یکی از سران شرور مخالف شیعه و به قرینه اینکه در ادامه سخن از باز شدن حج است، می‌توان دریافت راه حج قبل از آن بسته بوده است در عربستان سعودی به هلاکت می‌رسد آنگاه حوادثی خشنوده‌کننده برای شیعیان آغاز خواهد شد.

۵. صرفنظر از «انتساب صدور قطعی» توقیع برای شیخ مفید - که محل اختلاف است -، سوال مهمی مطرح می‌شود: این فقره از توقیع برای رویدادهای قبل ظهور است یا مربوط به دوران شیخ مفید؟ آیا در عصر شیخ مفید، مورخین و تاریخ‌نگاران، حوادثی را در ارض مشرق (ایران) و عراق ثبت کردند که بعد از آن، نیز هلاک و مرگ یکی از حاکمان مخالف شیعه نیز گزارش شده باشد و بعد از مرگ وی، راه حج که برای مدتی بسته شده است، باز شود؟ البته شیخ مفید در عصر غیبت کبری زندگی می‌کرده است و صدور توقیع ثابت نیست. اما برخی بر این باورند به مقتضای قرائن و نیز نقل توقیع در کتاب معتبر الاحتجاج و البته قبل از آن، وجود بخشی از متن توقیع در کهن‌ترین نسخه مصباح طوسی؛ بنابراین انکار قطعی آن روا نیست اما اثبات‌شدنی نیز نیست.

۶. حمله ایران و جبهه شیعی به مثلث «غربی، عبری، عربی»: واقعه «عمود آتش مشرق»، حادثه صنع بشری و هویت جنگی دارد و به قرینه عمود آتش، حمله به هدف و مکان معین از مواضع دشمن و از جمله رویدادهای قبل از ظهور است، به گونه‌ای که شعله‌های آتش سرخ و زرد (الهردی) به سمت آسمان زبانه می‌کشد (عمود) و بسیار هولناک توصیف شده است (عظیمه) و تا چند شبانه‌روز ادامه خواهد داشت (تطلع لیالی) و بین ۳ تا ۷ روز ادامه خواهد داشت (ثلاثه او سبعة ایام) و برای تمام مردم جهان، این رخداد جنگی از طریق شبکه‌های تصویری و وسائل ارتباط جمعی و شبکه‌های تلویزیونی قابل مشاهده خواهد بود (براه اهل الارض کلهم) و به منزله آغاز پیروزی‌های جبهه حق بر علیه باطل در حوادث منتهی به ظهور خواهد شد (قدام القائم بقلیل).

۷. مطابق گزارش اهل سنت «عمود آتش مشرق» در ماه رمضان است و بعد از آن نیز سنة الجوع (سال قحطی) در پیش است، اما واضح است این مقدار اشتراک، الزاما به معنای وحدت محتوایی نیست البته دلیلی هم بر تفاوت وجود ندارد. صرفا با مقایسه درمی‌یابیم هرچند منابع فریقین اشتراک نظر دارند با ظهور مرتبط است اما مصادر شیعی به زمان وقوع آتش مشرق در «ماه رمضان» تصریح ندارند. ضمن اینکه احتمال دارد، دو حادثه جداگانه باشند.

۸. از منظر آینده‌پژوهی مهدوی، هرچند درباره واقعه «عمود آتش مشرق» قبل ظهور، نمی‌توان به جمع‌بندی قطعی رسید لکن به قرینه «فرج آل محمد» و جوهره معنایی واژه «الهردی»، دیدگاه دوم (هویت جنگی) ترجیح دارد و قدر متیقن در صورت وحدت محتوایی گزاره «آتش مشرق» در فریقین، نشانه و علامت «سنة الجوع» و وقوع «جنگ جهانی» قبل ظهور نیز است.

۹. صرفنظر از اینکه ماهیت آتش مشرق قبل ظهور، چیست و کدام دیدگاه ترجیح دارد؟ اما شکی نیست ایرانیان بعد از دو مرحله «مطالبه حق» از دشمن و البته یاس از اخذ حق خویش آنگاه در مرحله بعد «مرحله سیوف»، قدرتمند و طوفانی ظاهر خواهند شد.

۱۰. و در «تقابل نظامی» با دشمن انتقام سخت را بر مثلث «غربی، عبری، عربی» وارد خواهند ساخت که دشمن مجبور به اعطای بخشی از حق ایرانیان خواهد شد اما ایرانیان آماده «روبارویی حتمی» و جنگ با دشمن (اسرائیل و مارقة الروم) در آستانه ظهور خواهند شد.

عناوین مرتبط

فتنه شام (سوریه) قبل از ظهور، رمزگشایی از بازیگران داخلی و بین‌المللی جنگ سوریه (لینک)

سناریوی آینده عراق قبل از ظهور (لینک)

ایران قبل از ظهور، مواجهه نظامی بعد از دو مرحله مطالبه حق (لینک)

فلسطین قبل از ظهور، زمان جنگ شیعه با رژیم صهیونیستی، نابودی اسرائیل قبل یا بعد از ظهور (لینک)

آتش آذربایجان قبل ظهور: شعله‌های آغاز جنگ جهانی یا تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی (لینک)

*مصطفی امیری، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم